

بررسی زباهنگ دل نگرانی برای دیگری در ایرانیان: از هیچ دلی تا فرادلی

رضا پیش قدم^۱

شیمای ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

چکیده

برقراری تعامل اجتماعی، بخش جدایی ناپذیر زندگی است و انسان‌ها، برای درک احساسات و عواطف یکدیگر به شیوه‌ای متفاوت ابراز نگرانی می‌کنند. در حالی که برخی نسبت به دغدغه‌مندی‌های شخص مقابل خود بی‌تفاوت هستند، برخی دیگر تنها همزبانی می‌کنند و در سطحی بالاتر برخی تمایل دارند خود را جای دیگری گذاشته و برای او گام‌هایی بردارند. در پژوهش کیفی حاضر، نگارندگان به بررسی ۴۴۸ پاره‌گفتار بدست آمده از ۳۰ فیلم و سریال با ژانر اجتماعی و ۲۱۱ پاره‌گفتار جمع‌آوری شده از مکالمات افراد (با بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال) در مکان‌های عمومی، خصوصی (رسمی/غیررسمی) و فضای مجازی مربوط به زباهنگ «دل‌نگرانی نسبت به دیگری» پرداخته و آنان را در ۴ سطح هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و براساس الگوی مفهومی تحلیلی زباهنگ مورد مذاقه قرار دادند. نتایج نشان داد افراد با اهداف متفاوتی مانند دلسوزی، نصیحت، سلب مسئولیت و تبرئه خود، تغییر در تصمیم، شماتت، فداکاری، گلایه و ... از این زباهنگ استفاده می‌کنند. افزون‌براین، این زباهنگ تأییدی بر فرهنگ تعارف، جمع‌گرایی، هلویی، اغراق‌افزوده و غیرمستقیم‌گویی ایرانیان است که افراد نسبت به آن در مرحله درون‌آگاهی قرار دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد امروزه

^۱ استاد پیوسته آموزش زبان و استاد وابسته روان‌شناسی تربیتی، هیأت علمی گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران؛ pishghadam@um.ac.ir

^۲ استادیار آموزش زبان فارسی، هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(نویسنده مسئول)؛ shimaabrahimi@um.ac.ir

میزان دل‌نگرانی افراد بیشتر به سمت هیچ‌دلی و برون‌دلی پیش رفته که این امر حاکی از تمایل شدن آنان از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی است. بنابراین، واکاوی این زیاهنگ به شناسایی بیشتر سطوح درون‌دلی و فرادلی در قالب عبارات زبانی کمک بسیاری می‌کند و راه را برای به‌فرهنگی و شناسایی ژن‌های معیوب در جامعه هموار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: زیاهنگ، دل‌نگرانی، هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی، فرادلی

۱. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که تعاملات وی با دیگران و چگونگی برقراری ارتباط مؤثر با آن‌ها از آغاز تولد و در تمامی مراحل رشد وی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. در زندگی اجتماعی، توانایی درک و آگاهی از افکار و احساسات دیگران و حساس بودن نسبت به دیدگاه‌های آنان، راه را برای برقراری زندگی دوستانه، خودآگاهی و پذیرش خود در میان دیگران هموار می‌سازد و وحدت و انسجام گروهی را به دنبال دارد. در روابط پیچیده‌ی امروزی، هر فرد ممکن است بارها در زندگی روزمره خود با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبرو شود که وی را وادار سازد از دیگران کمک بگیرد. در این میان خصلت ممنوع‌دوستی و همیاری و کمک به دیگران از ویژگی بارز ایرانیان از گذشته تاکنون بوده است و باید به این مهم توجه داشت که رفتارهای حمایتی و کمک‌کننده به دیگران ولو در حد کلامی ممکن است جلوی بسیاری از آسیب‌های احتمالی به فرد را بگیرد و به نوعی نیروی انگیزشی محسوب شود (Andreoni et al., 2016).

پرواضح است که افراد در مواجهه با مشکلات دیگران براساس دریافت و فهم وضعیت یا شرایط عاطفی طرف مقابل از برخوردهای متعدد کلامی تا عملکردی استفاده می‌کنند که این امر میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی آنان را نسبت به دیگری و مشکل وی روشن می‌سازد. در پژوهش حاضر منظور از «دل‌نگرانی برای دیگری»، میزان توانایی عاطفی و شناختی برای فهم هیجان‌ات و پاسخ‌دهی به حالت ذهنی و احساسی دیگران است. مطالعات زیست‌عصب‌شناسی بر وجود حداقل دو مدار متمایز برای دل‌نگرانی در افراد تأکید کرده‌اند. بخشی از شبکه‌ی میزان دغدغه‌مندی جزء هیجانی است که سیستم نورون‌های

آینه‌ای^۱ و سیستم لیمبیک^۲ را شامل می‌شود و به ادراک هیجانات و احساساتی مانند خشم، تنفر، شادی و غم مربوط است. بخش دیگر جزء شناختی است که به توانایی درک و نگاه به دنیا از دیدگاه دیگران اشاره دارد (Zaki & Ochsner, 2012). با توجه به این دسته‌بندی، در برخی موارد فرد به لحاظ هیجانی و شناختی نسبت به مشکل دیگری بی‌تفاوت است و در موارد دیگر فراخوانی عاطفه مشابه اتفاق می‌افتد و فرد توانایی درک دیدگاه دیگری را در موقعیت پیدا می‌کند. در همه این موارد عبارات و اصطلاحاتی برای همدردی و درک متقابل و حتی فرار از این موقعیت میان افراد رد و بدل می‌شود. از آن‌جا که رابطه دوسویه زبان و فرهنگ انکارناپذیر است (Brown, 1994)، با بررسی این عبارات زبانی که در این بافت‌های اجتماعی تبادل می‌شود (زبانهنگ) و نمایانگر نوع نگاه و تفکر افراد جامعه است، می‌توان به آشکارسازی فرهنگ مستتر در آن نیز پرداخت (Pishghadam, 2013).

پژوهش حاضر بر مبنای تعاملات بین‌فردی و از لحاظ ابعاد اجتماعی-عاطفی میان واژگان «هیچ‌دلی^۳»، «همزبانی^۴» و «همدلی^۵» تمایز قائل شده است. منظور از هیچ‌دلی این است که فرد هیچ‌گونه احساس، عاطفه، علاقه و یا نگرانی نسبت به مشکل به وجود آمده طرف مقابل خود ندارد و این امر او را به بی‌تفاوتی سوق می‌دهد. همزبانی نوعی همدردی، درک دیگران و مشکل آن‌ها از زاویه دید خود است و فقط به صورت اظهار و یا کلامی صورت می‌گیرد که نوعی انفعال را در درون خود دارد؛ اما در همدلی فرد خود را به جای فرد آسیب‌دیده و درگیر مشکل می‌گذارد و تلاش می‌کند از زاویه دید او مسائل را ببیند، احساسات او را تجربه کند و در آن شریک شود؛ بنابراین میزان احساس و عاطفه در آن بیشتر است و عمل‌محور است (Ariyaratne & Hulathduwa, 2015). این طبقه‌بندی رابطه معناداری با میزان توانمندی ارتباطی دارد و سطوح بالای آن می‌تواند با غنای تعاملات فردی، حس رضایت از دیگری را افزایش دهد.

¹ Mirror neurons

² Limbic system

³ Apathy

⁴ Sympathy

⁵ Empathy

نگارندگان در پژوهش حاضر به دنبال واکاوی و مذاقه در عبارت زبانی هستند که در هنگام مواجه شدن با مشکل دیگری در بافت‌های گوناگون نمود می‌یابند و میزان دل‌نگرانی افراد نسبت به دیگری را روشن می‌سازند. بنابراین با عنوان کردن مفهوم زبانهنگ (زبان مستتر در فرهنگ) دل‌نگرانی برای دیگری^۱، دسته‌بندی جدیدی از سطوح دل‌نگرانی ارائه می‌دهند و معتقدند در زمان بروز یک مشکل برای فرد تنها اشتراک احساسات و همدلی برای رفع آن ممکن است کافی نباشد و با توجه به میزان صمیمیت افراد با یکدیگر، می‌توان سطوح بالاتری از دغدغه‌مندی مانند فرادلی^۲ را نیز در نظر گرفت. بنابراین با بررسی سطوح گوناگون دل‌نگرانی، نگارندگان به این پرسش پاسخ می‌دهند که زبانهنگ مذکور در چه موقعیت‌های زمانی، مکانی، توسط چه افرادی و با چه اهدافی و انواعی به کار می‌روند؟ پس از آن به بررسی الگوهای فرهنگی مستتر در این زبانهنگ پرداخته می‌شود و با بررسی هیجامد^۳ (هیجان+سامد) این زبانهنگ تلاش می‌شود میزان استفاده از آن در سطح جامعه ایران مورد تدقیق قرار بگیرد تا بتوان به درون‌دلی و فرادلی به عنوان ژن سالم برای به‌فرهنگی^۴ نگرینست و افراد هیچ‌دل و برون‌دل را بیشتر به سمت آنان متمایل کرد.

۲. پیشینه پژوهش

تمایز میان هیچ‌دلی، هم‌زبانی و همدلی از اوایل قرن بیستم تاکنون در پژوهش‌های گوناگون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ... مورد بررسی قرار گرفته است که این امر خود نشان‌دهنده اهمیت میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی افراد نسبت به یکدیگر است. در ذیل به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

بیرامی و همکاران (Beyrami et al., 2014) با بررسی مؤلفه‌های همدلی با شادکامی در میان دانشجویان بدین نتیجه دست یافتند که میان همدلی و شادکامی رابطه وجود دارد و همدلی زیاده‌تر به روابط بین‌فردی عاطفی و شناختی بالا منجر می‌شود که دستاورد آن ایجاد هیجان‌ات مثبت و اثربخش می‌باشد. در پژوهشی دیگر، همدلی و همدردی در دیوان صائب به عنوان یکی از مهارت‌های اساسی ایجاد ارتباط مؤثر توسط

¹ Cultuling of Concerns for Others

² Metapathy

³ emotioncy

⁴ Euculturation

بهنام و رجب‌زاده (Behnam & Rajabzadeh, 2016) مورد بررسی قرار گرفته است. آنان معتقدند اطلاع، آگاهی و نشان‌دادن نحوه به‌کارگیری این واژه‌ها و انعکاس آنان در ادب فارسی و آثار بزرگان علم و ادب، ضمن شناساندن بهتر و بیشتر افکار و اندیشه‌های آن بزرگان، کمک شایانی به مریبان، مشاوران و عموم مردم در ایجاد ارتباط مؤثر خواهد داشت. نتایج حاصل از یافته‌های آنان نشان داد که صائب از واژه‌های متعددی مانند «هم‌درد»، «هم‌زبان»، «همراه»، «هم‌صحبت»، «هم‌زانو»، «هم‌تاب»، «هم‌نفس» و ... استفاده کرده که می‌تواند بیانگر توجه او به این مفاهیم باشد. در پژوهشی دیگر، سلطانی عظمت و همکاران (Soltani Azemat et al., 2016) با استفاده از پرسشنامه همدلی داویس و آزمون چشم‌های بارون کوهن به مقایسه نظریه ذهن^۱ و همدلی در ۱۰۰ دانشجوی کارشناسی پسر و دختر دانشگاه علوم بهزیستی و توابخشی تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد زنان به‌طور قابل توجهی در همدلی نمراتی بالاتر از مردان کسب کردند و میان نمرات آنان در آزمون نظریه ذهن تفاوت معناداری مشاهده نشد. کهنوجی (Kahnuji, 2016) نیز به بررسی ابعاد همدلی در بین ۶۱ عضو هیأت علمی دارای پست‌های مدیریتی با توجه به نقش جنسیتی آن‌ها در دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ پرداخته است. نتایج نشان داد میان میزان همدلی و جنسیت آنان رابطه‌ای وجود ندارد و میزان همدلی در سطح مدیران نیز پایین بوده است. بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با روابط انسانی پیشنهاد شده است. یاری‌قلی و بهادری خسروشاهی (Yarigoli & Bahadorikhosroshahi, 2018) در پژوهشی دیگر به بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان‌شناسی و مبانی اسلامی پرداخته‌اند و معتقدند همدلی یکی از توانایی‌های هیجانی افراد است که از دوران کودکی آغاز می‌شود و نقش اساسی در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. در مبانی اسلامی نیز بر عمل خیر، تعاون، همکاری، عدل و انصاف تأکید می‌شود که نزدیک‌ترین مفهوم را با همدلی دارد. در پژوهشی دیگر، خردمند و همکاران (Kheradmand et al., 2018) به مقایسه همدلی عاطفی و شناختی در دو گروه دارای سبک شخصیت^۲ اجرات‌ورز و

¹ Theory of Mind (ToM)

² Assertive individuals

ضداجتماعی^۱ پرداختند و نتایج پژوهش آنان نشان داد که همدلی عاطفی در افراد دارای سبک شخصیت ضداجتماعی کمتر از افراد جرأت‌ورز است و علت آن را می‌توان در نابهنجاری‌های مغزی و درک نادرست هیجان‌ها از چهره و جرأت‌ورزی و همدلی عاطفی کم و سبک دلبستگی ناایمن آن‌ها جستجو کرد. ترکمن ملایری و شیخ‌الاسلامی (Torkaman Malayeri & Sheikholeslami, 2019) نیز با هدف تعیین نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی به بررسی رابطه بین همدلی و رفتار جامعه‌پسند ۵۰۸ نوجوان پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که همدلی بر رفتارهای جامعه‌پسند و هیجان‌های گناه و شرم فرزندان، اثر مستقیم و مثبتی دارد.

پیش‌قدم (Pishghadam, 2022) با مطرح کردن مفهوم «فرادلی» برای نخستین بار، معتقد است همدلی به تنهایی کافی نیست و جامعه ما نیازمند تربیت افرادی است که حس فرادلی بالاتری دارند و از کنار مشکلات دیگران به راحتی عبور نمی‌کنند. از این منظر، برخی افراد ممکن است حس همدلی بالایی داشته باشند ولی نمی‌توانند با نگاهی جهانی و کلی به هیجان‌ات دیگران بیندیشند. از سوی دیگر، وی معتقد است در سطح فرادلی ممکن است میان پذیرش همدلی و فرادلی اصطکاک به وجود آید. یعنی فرد در نگاهی آینده‌نگرانه تلاش دارد زندگی دیگران را تغییر دهد ولی فرد مقابل انتظار رفتار همدلانه را دارد و این دو ممکن است احساس کنند که همدیگر را درک نمی‌کنند. بنابراین، انتظارسنجی هیجانی بحث مهمی در این باب است. فرادلی ممکن است در کوتاه‌مدت خوشایند به نظر نرسد ولی چنانچه به پذیرش از سوی مخاطب بینجامد، به رشد و پیشرفت او کمک زیادی می‌کند.

در جدیدترین پژوهش انجام شده توسط پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2022) آنان پس از دسته‌بندی سطوح دغدغه‌مندی به ۴ سطح هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی براساس سطوح هیجانی، با طراحی و اعتباریابی مقیاس اندازه‌گیری میزان دل‌نگرانی مدرس^۲ به بررسی میزان دل‌نگرانی ۷۱۶ معلم نسبت به دانش‌آموزان‌شان

¹ Antisocial

² Teacher Concern for Students (TCS) Scale

براساس وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی آنان پرداخته‌اند. نتایج یافته‌ها حاکی از این مهم بود که معلمان با طبقه اجتماعی اقتصادی پایین و متوسط تمایل بیشتری نسبت به فرادلی با دانش‌آموزان نشان دادند. لازم به ذکر است از این مقیاس می‌توان برای اندازه‌گیری میزان دل‌نگرانی سایر اقشار جامعه نیز بهره برد.

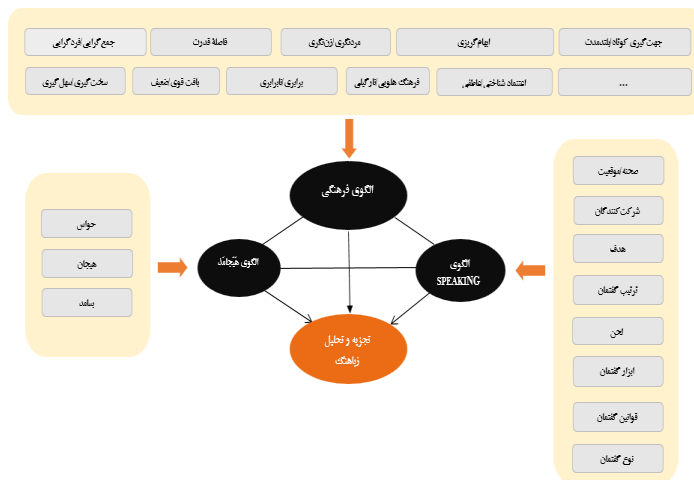
همانگونه که مشاهده می‌شود، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه همدلی و همزبانی (همدردی) است و در مورد سایر سطوح دل‌نگرانی پژوهش‌چندان زیادی صورت نگرفته است. افزون بر این، به نظر می‌رسد از منظر تحلیل زبانهنگ‌ها و بررسی عبارات زبانی که میزان دل‌نگرانی افراد را نشان می‌دهند، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین از آنجاکه با تحلیل زبانهنگی می‌توان به فرهنگ مستتر پشت این عبارات زبانی پی برد، در پژوهش حاضر از منظر جامعه‌شناسی زبان و از بُعد زبانهنگی میزان دل‌نگرانی ایرانیان نسبت به دیگری مدنظر قرار گرفته که وجه تمایز با پژوهش‌های پیشین در این زمینه است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳.۱. الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ

عطف به تأثیر متقابل زبان، فرهنگ و تفکر بر یکدیگر، پیش‌قدم (Pishghadam, 2013) با مطرح کردن مفهوم زبانهنگ بر این باور است که قطعات زبانی هر جامعه می‌توانند به خوبی نمایانگر فرهنگ و تفکرات حاکم بر رفتار افراد آن جامعه باشند که در طی نسل‌های گوناگون دچار تغییر و تحول می‌شوند. بنابراین با موشکافی و مذاقه در عبارات زبانی می‌توان به باورهای فرهنگی، نگرش و اعتقادات افراد یک جامعه نیز دست یافت و عبارات زبانی می‌توانند نقش شمای فرهنگی یک قوم را ایفا کنند. از دیدگاه وی، چنانچه یک عبارت زبانی با بسامد بالا در میان مردمان یک جامعه رواج یابد، تبدیل به تفکر حاکم بر آن جامعه خواهد شد که راه را برای فرهنگ‌کاوی، بررسی الگوهای فرهنگی غالب و نظام فکری مستتر میسر می‌سازد. بنابراین، شناسایی زبانهنگ‌ها همچون ابزاری تحول‌گراست که به تغییر و تدبیر فرهنگی می‌انجامد و از طریق آن‌ها می‌توان برای به‌فرهنگی و تعالی فرهنگی گام‌های مؤثری برداشت.

پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2020b) با مطرح کردن مفهوم تحلیل زباهنگ^۱ عواملی فراتر از متن یعنی بافت فرهنگی، موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و غیره را در تفسیر و تحلیل زباهنگ‌های یک جامعه حائز اهمیت می‌دانند و بر این اعتقادند که تجزیه و تحلیل عناصر فرهنگی از طریق کاربرد عبارات زبانی به صورت زباهنگ در جامعه امکان‌پذیر است. آنچه در تحلیل زباهنگ مورد مذاقه قرار می‌گیرد، مجموعه ویژگی‌های صوری است که در رفتار و گفتار مردم یک جامعه به وفور و با بسامد بالا یافت می‌شود و در اعمال و رفتار آنان نیز نمود پیدا می‌کند. از این‌رو، بررسی مقاصد معینی که این زباهنگ‌ها به کار گرفته می‌شوند، تجزیه و تحلیل شده و معانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و موقعیتی آنان مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنچه در تحلیل زباهنگ اهمیت دارد، در نظر گرفتن لایه‌های درونی و عمقی واژگان است که با نگاهی سیستمی و کل‌نگر در شناسایی ژن‌های معیوب و سالم فرهنگی تأثیرگذار است و با بررسی آنان می‌توان به الگوها و ارزش‌های فرهنگی مردم یک جامعه دست یافت. عطف به این مهم، پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2020a) الگوی تحلیل مفهومی زباهنگ را مطرح کرده‌اند که از مجموع سه الگوی SPEAKING، الگوهای فرهنگی و الگوی هیجامد برای تحلیل زباهنگ‌ها تشکیل است. جزئیات این الگو در شکل (۱) قابل مشاهده است.



شکل ۱: الگوی مفهومی تحلیل زباهنگ (Pishghadam et al., 2020a)

¹ Cultuling analysis (CLA)

با توجه به اینکه برای تحلیل زیاهنگ‌ها باید این سه مؤلفه در تحلیل لحاظ شود، در ادامه برای آشنایی بیشتر با این الگو هر یک از اجزای آن معرفی می‌شود.

۱.۱.۳. الگوی SPEAKING

هایمز (Hymes, 1974) معتقد است برای تحلیل یک مکالمه صرف مطالعات زبانی و بررسی صحت دستوری یک گفته کافی نیست، بلکه باید به بافتی که کلمات در آن استفاده می‌شوند نیز توجه شود. وی (1967) با در نظر گرفتن نقش ارتباطات و تعاملات اجتماعی از طریق زبان به منظور بررسی زبان در بافت اجتماعی آن، مختصات مختلف یک گفتمان اعم از گوینده، شنونده، موقعیت زمانی و مکانی تعاملات و ارتباطات میان افراد در شکل‌گیری یک گفتمان، عوامل مؤثر در برقراری ارتباط را به هشت گروه تقسیم کرده است که مجموع آن‌ها با علامت اختصاری SPEAKING نشان داده می‌شوند. در ذیل به توضیح هر یک پرداخته می‌شود:

موقعیت زمانی و مکانی (محیط/صحنه)^۱ (S): موقعیت یک گفته به دو دسته زمانی و مکانی تقسیم می‌شود که با توجه به مؤلفه زمان و مکان (موقعیت فیزیکی) به بافتی که گفتمان در آن رخ می‌دهد، اشاره دارد (Hymes, 1974). موقعیت یک گفتمان را با در نظر گرفتن شرایط آن می‌توان به گروه‌های عمومی، رسمی و خصوصی و غیررسمی تقسیم کرد (Pishghadam & Vahidnia, 2016).

شرکت‌کنندگان^۲ (P): به تمامی افرادی که در یک مکالمه در جایگاه‌های گوناگونی از سخنگو-شنونده، خطاب‌کننده-خطاب‌شونده یا فرستنده-گیرنده قرار دارند (Hymes, 1972) و با توجه به متغیرهایی مانند قدرت، سن، ملیت، جنسیت و نوع ارتباط تقسیم‌بندی شوند، شرکت‌کننده آن مکالمه گفته می‌شود.

¹ Setting/Scene

² Participants

هدف^۱ (E): هر مکالمه در هر بافتی که حادث شود، اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند که افراد براساس این اهداف شخصی، مکالمات خود را تنظیم می‌کنند و آنان را می‌توان با توجه به شرایط کلی گفتمان درک کرد (Hymes, 1975).

ترتیب عملکرد^۲ (A): در یک مکالمه، هر گفته به گونه‌ای بیان می‌شود که با ترتیب گفتمان می‌توان به محتوای آن و واکنش احتمالی مخاطب پی برد. این ترتیب نشان‌دهنده چگونگی بیان گفته، نظم و ترتیب آن می‌باشد. (Hymes, 1974)

لحن^۳ (K): منظور از لحن، چگونگی بیان گفتار و آهنگ مربوط به آن است. بر این اساس، در یک گفتمان لحن می‌تواند آرام، جدی، تمسخرآمیز، طعنه‌آمیز و ... باشد (Hymes, 1972).

ابزار گفتمان^۴ (I): به شیوه بیان و سبک و سیاق یک گفتمان اشاره دارد که می‌تواند به صورت‌های گوناگونی مانند نوشتاری، گفتاری یا تلگرافی باشد (Hymes, 1972).

قوانین گفتمان^۵ (N): این مؤلفه به برخی ویژگی‌های توصیفی، هنجارها و قواعد اجتماعی یک گفته اشاره دارد (Hymes, 1972).

نوع گفتمان^۶ (G): هر گفتمان ممکن است در قالب‌های متفاوتی مانند شعر، مثل، معما، داستان، افسانه، مکالمه، دعا، لطیفه، نامه و غیره شکل بگیرد که مجموعه ویژگی‌های تشکیل‌دهنده یک گفته را شکل می‌دهد (Hymes, 1974).

۲.۱.۳. الگوی هیجامد^۷

در تحلیل زبانهنگ‌ها سه مؤلفه «بسامد تکرار واژه»، «هیجان نسبت به کارگیری آن واژه» و «حسی که از رویارویی و شنیدن واژه درگیر می‌شود»، حائز اهمیت هستند. براین اساس پیش‌قدم (Pishghdam, 2015) مفهومی به نام هیجامد را مطرح کرده که بر این اعتقاد

¹ End

² Act sequence

³ Key

⁴ Instrumentalities

⁵ Norms of interaction and interpretation

⁶ Genre

⁷ Emotioncy pattern

است حس عاطفی و هیجانی هر واژه در هر جامعه زبانی متفاوت می‌باشد و قابلیت درجه‌بندی براساس میزان حواس درگیر شده را دارد. با توجه به این امر، به هر میزان حواس مختلف مخاطبان با محرک‌های گوناگون شنیداری، دیداری، بویایی، چشایی و لمسی حرکتی بیشتری تحریک شود، میزان درک مطلب افزایش می‌یابد. پیش‌قدم (Pishghadam, 2015) سطوح سلسله‌مراتبی برای این الگو را متشکل از سه مرحله هیچ‌آگاهی^۱، برون‌آگاهی^۲ و درون‌آگاهی^۳ در نظر گرفته است که این سه مرحله خود از سطوح هیجانی متفاوت ۱- هیچ‌آگاهی (هیجاند تهی^۴)، ۲- برون‌آگاهی (هیجاند های شنیداری^۵، دیداری^۶، لمسی حرکتی^۷)، ۳- درون‌آگاهی (هیجاند های درونی^۸ و جامع^۹) تشکیل شده است. در مرحله هیچ‌آگاهی فرد هیچ‌گونه اطلاعاتی نسبت به واژه ندارد و حسی نیز به هنگام مواجهه با آن در او درگیر نمی‌شود. به محض شنیدن در مورد واژه، تجربه هیجانی وی به سطح شنیداری و با دیدن و لمس کردن آن واژه تجربه او به سطح هیجاند های دیداری و لمسی حرکتی ارتقا می‌یابد. از آنجا که تجربه فرد تنها از راه شنیدن و دیدن و حتی لمس کردن است، تجربه هیجانی در مرحله برون‌آگاهی قرار دارد و فرد هنوز تجربه مستقیم و نزدیکی در مورد آن ندارد. در مرحله درونی فرد از نزدیک با واژه و موارد مربوط به آن مواجه می‌شود (به‌عنوان نمونه میوه‌ای مانند آووکادو را می‌خورد و نسبت به آن تجربه مستقیم پیدا می‌کند و در نهایت در مرحله جامع آنچنان حواس او درگیر می‌شود که تصمیم می‌گیرد در مورد آن تحقیق کند و فواید آن را بداند. بنابراین دو سطح هیجانی درونی و جامع مربوط به درون‌آگاهی است که اطلاعات در مورد واژه برای فرد نهاده می‌شود. پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al, 2018) سطح دیگری به نام فراآگاهی^{۱۰} به این الگو اضافه کرده و معتقدند اگر حواس فرد آنچنان درگیر موضوع شده

1 Avolvement

2 Exvolvement

3 Involvement

4 Null emotioncy

5 Auditory emotioncy

6 Visual emotioncy

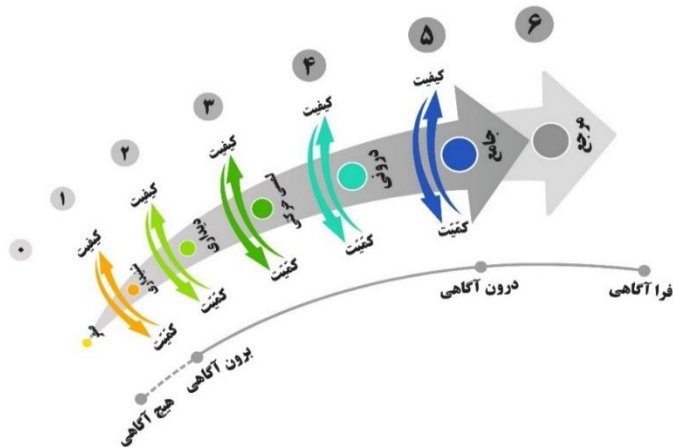
7 Kinesthetic emotioncy

8 Inner emotioncy

9 Arch emotioncy

10 Metavolvement

که وی به خوبی به موضوع تسلط پیدا کرده و بتواند همانند یک مدرس آن برای دیگران تدریس کند و در موردش توضیح دهد، سطح هیجامد او به مرجع^۱ افزایش یافته و به مرحله فراآگاهی خواهد رسید که سطح حداکثری هیجامد است. سلسله مراتب هیجامد در شکل (۲) قابل مشاهده است.



شکل ۲: الگوی هیجامد مبسوط (پیش قدم، ابراهیمی و طباطبانیان، ۱۳۹۸)

پیش قدم و ابراهیمی (Pishghadam & Ebrahimi, 2020) معتقدند زبانهنگ‌های زبان فارسی را می‌توان براساس این الگو به درجات گوناگون زبانهنگ‌های هیچ‌آگاهی، برون‌آگاهی، درون‌آگاهی و فراآگاهی تقسیم کرد؛ بدین معنا که واژگان و عبارات زبانی در هر جامعه می‌توانند هیجامدهای متفاوتی برای مردم آن تولید کنند. افراد نسبت به برخی از واژگان هیچ حس و هیجانی ندارند و تاکنون نیز در مورد آنان نشنیده‌اند (زبانهنگ هیچ‌آگاهی). به عنوان نمونه برخی از اصطلاحات و مثل‌ها برای نسل جوان کنونی کاملاً ناآشنا هستند؛ برخی از واژگان را افراد تنها در متون دیده‌اند یا در مورد آنان تنها تجربه شنیداری دارند (زبانهنگ برون‌آگاهی). مانند عبارت «اعلی حضرت همایونی» که امروزه در کلام کاربرد ندارد، اما در متون کهن دیده می‌شود. برخی از واژگان و عبارات زبانی آنچنان در زندگی افراد کاربرد دارند که به صورت روزمره توسط قشرهای متفاوت به کار برده می‌شوند؛ مانند واژه «ناز» و عبارات مربوط به آن که در کلام ایرانیان به وفور استفاده

¹ Mastery emotioncy

می‌شود. این عبارات را می‌توان زبانهنگ درون‌آگاهی دانست. برخی دیگر از واژگان توسط افراد شاخص جامعه آنچنان در سطح جامعه گسترده و متداول می‌شوند که تا سالیان سال در جامعه کاربرد دارند (زبانهنگ فراآگاهی)؛ به‌عنوان نمونه واژگانی که توسط هنرمندان یا بازیگران باب می‌شوند و تا سال‌ها در کلام و ذهن می‌مانند. بررسی سطوح هیجانی زبانهنگ‌ها در تحلیل آنان مؤثر هستند و حس و هیجان افراد در سطح جامعه را نسبت به آنان آشکار می‌سازند.

۳.۱.۳ الگوهای فرهنگی

افراد در تعامل اجتماعی با یکدیگر دارای الگوهای آشکار و پنهانی هستند که نشأت گرفته از فرهنگ حاکم بر جامعه آنان است (Markus & Hamedani, 2007) و در طی تجربیات فردی و محیطی خود را نشان می‌دهند. بنابراین این الگوها با رفتارهای مردم آن جامعه در ارتباط هستند و دربردارنده ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری آنان است (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). با توجه به اینکه هر جامعه‌ای می‌تواند با توجه به خصوصیات رفتاری و تفکری مردم آن جامعه دارای الگوهای فرهنگی متعددی باشد، دسته‌بندی‌های متفاوتی از این الگوهای فرهنگی توسط پژوهشگران متعدد ارائه شده است. مشهورترین این دسته‌بندی مربوط به هافستد (Hofstede, 1983) است که ابعاد الگوی فرهنگی را مطرح کرده و دارای زیرمؤلفه‌هایی مانند فاصله قدرت^۱، اجتناب از عدم اطمینان (ابهام‌گریزی)^۲، فردگرایی^۳ در مقابل جمع‌گرایی^۴ و مردنگری^۵ در مقابل زن‌نگری^۶ است. به‌عنوان نمونه الگوی فرهنگی فاصله قدرت نشان می‌دهد مردم تا چه اندازه می‌توانند توزیع قدرت و ثروت را در میان اقشار با سرمایه‌های گوناگون تحمل کنند (Minkov & Hofstede, 2013). چنانچه فاصله قدرت در جامعه‌ای زیاد باشد برخی افراد در نقش حاکم بر اقشار ضعیف‌تر تسلط دارند و برای آنان تصمیم‌گیری

1. Power distance

2. Uncertainty avoidance

3. Individualism

4. Collectivism

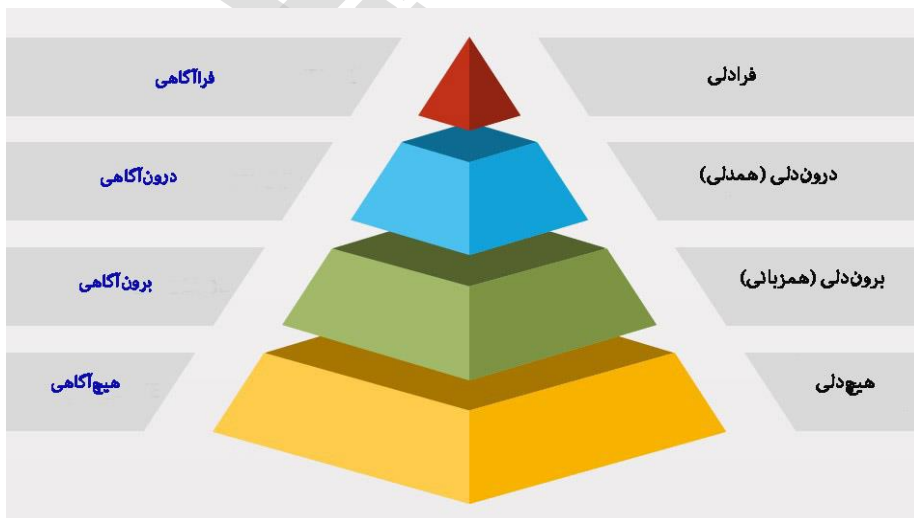
5. Masculinity

6. Femininity

می‌کنند یا در جوامع جمع‌گرا، روابط اجتماعی، اتحاد، همدلی اهمیت دارند و افراد منافع دیگری را نسبت به خود بیشتر در نظر می‌گیرند (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). به صورت کلی الگوهای فرهنگی در جامعه را می‌توان نمایانگر برنامه‌های ذهنی و جهت‌گیری‌های ارزشی، فکری، احساسی و رفتاری آن جامعه در نظر گرفت که می‌تواند معیاری برای سنجش فرهنگ آن باشد. چنانچه بخواهیم تحلیل عمیق‌تری از مشکلات و مسائل یک جامعه داشته باشیم، بررسی این ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی راه را هموار می‌سازد و در تحلیل زبانه‌نگ‌های نیز حائز اهمیت است.

۲.۳. زبانه‌نگ دل‌نگرانی برای دیگری

منظور از این زبانه‌نگ میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگران بودن افراد نسبت به دیگران و مشکلات یا مسائل پیش‌آمده برای آنان است که در کلام و در سطوح مختلف تجلی می‌یابد. یعنی آنان نسبت به دیگران چه احساس و تفکری دارند و هنگامی که مشکلی برای دیگران به وجود می‌آید، با چه کلمات و عباراتی در برابر این مشکلات واکنش نشان می‌دهند. پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2022) میزان دل‌نگرانی افراد را براساس سطوح هیجانی به ۴ دسته هیج‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی تقسیم کرده‌اند که در شکل (۳) قابل مشاهده است:



شکل ۳: هرم میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به دیگری (Pishghadam et al., 2022)

منظور از هیچ‌دلی سطحی است که افراد در حالت هیچ‌آگاهی نسبت به یکدیگر قرار دارند و نسبت به دیگری و مسأله‌ی وی ناآگاه و یا بی‌تفاوت هستند. در چنین شرایطی دغدغه‌ای از سمت گوینده نسبت به مخاطب وجود ندارد، فرد به شخص مقابل خود فکر نمی‌کند و واکنش رفتاری نیز مشاهده نمی‌شود (Nobis & Husain, 2018; Pishghadam et al., 2022). عباراتی مانند «به من چه، حوصلشو ندارم»؛ «اما چکار به بقیه داریم»؛ «لطفاً ما را درگیر مسائل خودت نکن»؛ «خودت کردی، خودتم باید پاسخگو باشی» نشان‌دهنده‌ی این سطح از دغدغه‌مندی است.

در حالت برون‌دلی (همزبانی/همدردی)، افراد ممکن است با تصدیق احساسات دیگران در لحظه‌ی حال، تنها حس همزبانی نسبت به آن‌ها داشته باشند و به شخص مقابل و دغدغه‌ی او کمی فکر کنند؛ اما عملی در این حین مشاهده نمی‌شود. در این نوع دل‌نگرانی، شخص منفعل است و تنها کمک او از نوع زبانی است، ممکن است توصیه‌ای در کلام بکند و یا حتی فرد مقابل و عملکرد او را قضاوت کند. جملاتی مانند «آخی چکار شده؟»؛ «به نظرم خوب گفتی»؛ «چه کار بدی کرده واقعاً»؛ «تسلیت می‌گم» نشان‌دهنده‌ی سطح برون‌دلی هستند.

در حالت درون‌دلی، افراد نسبت به یکدیگر حس همدلی دارند، درگیر مشکل به وجودآمده برای مخاطب می‌شوند و تلاش می‌کنند مسأله را از زاویه‌ی ذهن فرد مقابل دیده و گام‌هایی برای رفع مشکل وی بردارند (Behnam & Rajabzadeh, 2016). بنابراین این سطح از دل‌نگرانی فعال‌محور است و به نوعی همکاری و دست‌دگیری را گرفتن برای حل مشکل محسوب می‌شود. گوینده در این سطح تلاش می‌کند با احساسات و عواطف مخاطب خود همنوایی کند و با ابراز خوشحالی، ناراحتی و تأسف خود با او هم‌قدم شود. عباراتی مانند «هرکاری داشتی در خدمتیم»؛ «هروقت خواستی برو مرخصی من به جات میام»؛ «زودتر اومدم که بهت کمک کنم»؛ «همیشه در کنارت هستم» نشان‌دهنده‌ی سطح درون‌دلی از دغدغه‌مندی هستند.

در حالت فرادلی، افراد فراتر از لحظه‌ی حال را می‌بینند و تلاش می‌کنند با درنظر گرفتن صلاح دیگران در طولانی‌مدت و با سنجش نگاهی کلی به کمک وی بروند یا

اقداماتی انجام دهند. هدف از این نوع دغدغه‌مندی، ساخت و ایجاد تغییر در افراد می‌باشد و ممکن است در ظاهر با روح همدلی سازگار نباشد؛ یعنی افراد ممکن است در لحظه درک عمیقی از فرادلی نداشته باشند و حتی از آن تصمیم ناراحت شوند (Pishghadam, 2022). جملاتی مانند «من جوش آید تو می‌زنم که می‌گم»؛ «از همین فردا باید کلاس کنکور ثبت‌نام کنی»؛ «بیا این پول رو بگیر برو کلاس ورزش ثبت‌نام کن» و «بیا بریم بانک برات حساب باز کنم تا پولاتو پس‌انداز کنی» نشان‌دهنده سطح فرادلی هستند. چکیده مطالب فوق به صورت کلی در شکل (۴) قابل مشاهده است:

احساس دغدغه‌مندی	هیچ‌دلی	برون‌دلی (همزبانی)	درون‌دلی (همدلی)	فرادلی
بدون دغدغه	هیچ‌آگاه	-----	-----	-----
دغدغه‌مندی محدود	-----	برون‌آگاه	-----	-----
دغدغه‌مندی زیاد	-----	-----	درون‌آگاه	-----
دغدغه‌مندی خیلی زیاد	-----	-----	-----	فراآگاه

شکل ۴: سطوح دل‌نگرانی بر اساس الگوی هیجامد (برگرفته از Pishghadam, 2022)

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و توصیفی است که به منظور بررسی جنبه‌هایی از فرهنگ ایرانیان نسبت به میزان دل‌نگرانی درباره دیگری، تلاش شده است پاره‌گفتارهای مربوط به این زبانه‌نگ در سطوح ۴ گانه (هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی) دسته‌بندی شده و مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. از آنجاکه داده‌های مستند مانند فیلم‌ها و رسانه ملی می‌توانند نمایانگر فرهنگ یک جامعه باشند و رفتارها و نگرش مردم آن جامعه را منعکس سازند (Dahl, 2004; Mininni, 2007)، داده‌های پژوهش حاضر با روش نمونه‌گیری در دسترس از میان مکالمات شخصیت‌های سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی دارای ژانر اجتماعی

(۳۰ سریال و فیلم در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱) گردآوری شده‌اند و نگارندگان تمامی عبارات مربوط به دل‌نگرانی را از میان مکالمات مذکور برای بررسی انتخاب کرده‌اند. بدین‌صورت که فیلم‌ها و سریال‌های مذکور از ابتدا تا انتها مشاهده شده‌اند و جملات مربوط به این زبانه‌ها از میان تمامی مکالمات رد و بدل‌شده میان شخصیت‌های سریال و فیلم استخراج شده‌اند که تعداد آنان ۴۴۸ پاره‌گفتار (۷۶ پاره‌گفتار حاوی هیچ‌دلی، ۱۹۱ پاره‌گفتار حاوی برون‌دلی، ۹۳ پاره‌گفتار حاوی درون‌دلی و ۸۸ پاره‌گفتار حاوی فرادلی) بوده است. افزون‌بر این، تلاش شده است مکالمات روزمره افراد جامعه به‌صورت تصادفی در مکان‌های گوناگون عمومی، خصوصی (مانند فروشگاه، دانشگاه، اداره و ...) و فضای مجازی (تلگرام، واتساپ، اینستاگرام) نیز در مدت‌زمان ۴ ماه (فروردین‌ماه ۱۴۰۱ الی تیرماه ۱۴۰۱) از طریق مشاهده موقعیت‌های مکالمات آنان مورد مذاقه قرار گیرد و از میان آن‌ها پاره‌گفتارهای طبیعی راجع به دل‌نگرانی در مورد موضوعات گوناگون تحصیلی، رابطه، شغلی و ... به تعداد ۲۱۱ پاره‌گفتار جمع‌آوری شده‌اند. بدین‌صورت که نگارندگان مکالمات را در بافت‌های گوناگون حضوری و مجازی رصد کرده و عبارات مربوط به سطوح دل‌نگرانی را استخراج و پیاده‌سازی کرده‌اند. از این عبارات، ۳۹ پاره‌گفتار حاوی هیچ‌دلی، ۱۱۷ پاره‌گفتار حاوی برون‌دلی، ۳۴ پاره‌گفتار حاوی درون‌دلی و ۲۱ پاره‌گفتار حاوی فرادلی بوده است. لازم به ذکر است افرادی که این پاره‌گفتارها را در کلام خود به کار برده‌اند، ۱۴۶ زن و ۱۱۲ مرد ایرانی در بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال (۴۸ نوجوان، ۷۶ جوان، ۱۱۴ میان‌سال و ۲۰ سالمند) با سطح تحصیلی دیپلم تا دکترا و مشاغل (محصل، دانشجو، آزاد، پزشک، استاد دانشگاه، معلم، خانه‌دار، مهندس) بوده‌اند که مکالمات آنان در بافت‌های گوناگون و موقعیت‌های طبیعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و زبانه‌های مربوط به این سطوح از مکالمات آن‌ها استخراج شده‌اند. جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی از مکالمات به دست نیامد. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به این صورت بوده است که مکالمات افراد مذکور در بافت‌های اشاره ضبط و مشاهده شده و پس از پیاده‌سازی بر روی کاغذ، عبارات دل‌نگرانی به کاررفته در گفتار آنان استخراج شد. پس از آن کلیه پاره‌گفتارهای جمع‌آوری شده مربوط به دل‌نگرانی براساس الگوی مفهومی تحلیل زبانه‌گ مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. عبارات مستخرج را دو استاد

دانشگاه گرایش آموزش زبان بررسی کردند و پایایی بین آنان ۰/۹۶ بوده است. لازم به ذکر است به دلیل گستردگی و تنوع مثال‌های مربوط به این زبانهنگ‌ها، تنها به ذکر یک مثال برای هر دسته‌بندی اکتفا شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش نگارندگان به تحلیل و بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در پرتو الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ و سطوح سه‌گانه آن می‌پردازند.

۱.۵. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری براساس الگوی SPEAKING

محیط و موقعیت استفاده: سطوح گوناگون عبارات دل‌نگرانی برای دیگری از هیچ‌دلی تا فرادلی در تمامی موقعیت‌های خصوصی و غیررسمی (مانند جمع‌های خانوادگی، مکالمات تلفنی، مهمانی‌ها و) و عمومی و رسمی (روزنامه‌ها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و غیره) استفاده می‌شوند اما در مکان‌های عمومی و رسمی بسامد کاربرد آنان در سطح برون‌دلی بالاتر از سایر سطوح بوده است. در موقعیت‌های خصوصی و غیررسمی چنانچه مکالمه میان اعضای نزدیک خانواده و یا دو دوست صمیمی صورت گرفته باشد، درون‌دلی و فرادلی نیز مشاهده شده است. لازم به ذکر است که این زبانهنگ در محیط‌های مجازی و در متن پیام‌های تقدیر، تشکر و تسلیت به صورت موقعیتی عمومی رسمی/غیررسمی نیز از کاربرد زیادی برخوردار است. به‌عنوان نمونه، در گروه خانوادگی تلگرام یکی از افراد حاضر در گروه دل‌نگرانی خود را نسبت به شنیدن خبر سرقت گوشی همراه یکی از افراد اینگونه بیان کرده است: «فدای سرت. خدا سلامتی رو از آدم نگیره. خدا روشکر که خودت چیزیت نشده. مال جایگزین داره جون آدم جایگزین نداره. ایشالا یکی بهترشو می‌خری». این جمله نشان‌دهنده سطح برون‌دلی دل‌نگرانی در محیطی خصوصی و غیررسمی است که فرد تأسف خود را به صورت کلامی نشان می‌دهد و هم‌زمانی صورت گرفته است. لازم به ذکر است پیام‌های تسلیت منتشرشده در روزنامه را می‌توان از جمله مثال‌های دل‌نگرانی در سطح برون‌دلی دانست که در محیطی عمومی و رسمی کاربرد دارند. به‌عنوان نمونه: «خبر درگذشت پدر چنان سنگین و جانسوز است که

به دشواری به باور می‌نشیند، ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست. خداوند قرین رحمتش فرماید.»

شرکت کنندگان: افراد در موقعیت‌های هم‌تراز و رسمی مانند (دو استاد دانشگاه)، هم‌تراز و غیررسمی مانند (دو دوست صمیمی)، نابرابر و رسمی مانند (رئیس و کارمند اداره) و نابرابر و غیررسمی مانند (والدین و فرزند) از این زبانهنگ استفاده می‌کنند. به‌عنوان نمونه:

- موقعیت هم‌تراز و رسمی: کارمندی به کارمند دیگر در فیلم سینمایی چنین گفته است: «ولش کن. ناراحت نباش. از کوزه همان برون تراود که در اوست. اینجور جاها اعتراض نتیجه‌ای نمی‌ده» که این عبارات نشان‌دهنده سطح برون‌دلی از دل‌نگرانی هستند که کارمند در واکنش به ناراحتی دوستش از رئیس اداره با او هم‌زبانی کرده است.

- موقعیت هم‌تراز و غیررسمی: در دانشگاه چند دوست در مورد نحوه درس خواندن برای امتحان چنین گفته‌اند: «زهره تو که از همه حفظیاتت بهتره بیا هم تروخدا برای ما توضیح بده» زهره نیز چنین پاسخ داده است: «باشه نگران نباشید. یک کاریش می‌کنیم. فردا قرار بذاریم، همینجا براتون توضیح می‌دم». این جمله زهره نشان‌دهنده میزان درون‌دلی وی با مخاطبان بوده است.

- موقعیت نابرابر و رسمی: در مکالمه میان معلم و شاگردان در گروه تلگرام، وی در مورد عدم تحویل پروژه به آنان چنین تذکر داده است: «یک هفته دیگر فرصت اضافی برای افرادی که هنوز پروژه را تحویل ندادند. برای بار چهارم هست که تذکر می‌دم. هرکی تحویل نداد و نمره‌شو از دست داد نیاد اعتراض کنه». این جمله نشان‌دهنده دل‌نگرانی معلم در سطح درون‌دلی است که برای شاگردان فرصت اضافه نیز در نظر گرفته است.

- موقعیت نابرابر و غیررسمی: مادر به فرزندش در سکانس یک فیلم چنین گفته است: «حقی که دیگه با زهره رفت و آمد کنی نداری. هیچی حالت نیست. تو چی می‌فهمی! این

دختر می‌تونه آینه‌تو تباه کنه». این جمله بیانگر میزان دل‌نگرانی مادر در سطح فرادلی است که آینده را فراتر از دخترش و لحظه‌ حال می‌بیند و برای وی نگران است.

لازم به ذکر است واکاوی داده‌ها نشان داد سطوح درون‌دلی و فرادلی بیشتر در مکالمات موقعیت نابرابر و غیررسمی (با درصد فراوانی ۴۳٪) و هم‌تراز و غیررسمی (۳۷٪) رخ می‌دهند و در موقعیت‌های هم‌تراز و رسمی (۸٪) و نابرابر و رسمی (۱۲٪) بیشتر افراد بیشتر در سطح هم‌زمانی (برون‌دلی) و حتی هیچ‌دلی نسبت به یکدیگر قرار دارند.

اهداف: بررسی داده‌ها نشان می‌دهد زباهنگ دل‌نگرانی نسبت به دیگری بیشتر با اهداف ذیل به کار می‌رود:

جدول ۱: اهداف غالب زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

ردیف	هدف	مثال زباهنگ	سطح زباهنگ
۱	دلسوزی کردن	دلم برات سوخت که گفتم. فردا باهم حتماً به کارش می‌کنیم.	درون‌دلی
۲	همدردی کردن	تسلیت مرا پذیرا باشید.	برون‌دلی
۳	نصیحت کردن	تو این سن آخه این چه وزنی هست تو داری. بیا از فردا بریم ورزش. برای سلامتیت ضرر داره.	فرادلی
۴	سلب مسئولیت	ما سر پیازیم یا نه پیاز. بهتره دخالت نکنیم.	هیچ‌دلی
۵	تبرئه خود	از اول هم گفته بودم من هیچ‌کاره‌ام. تقصیر خودشه. ولش کن.	هیچ‌دلی
۶	تغییر در تصمیم	تصمیمتو تغییر بده. بالاخره بحث به عمر زندگیه. الان کلهت داغه نمی‌فهمی. بیا با بزرگای فامیل هم مشورت کنیم.	فرادلی
۷	تحقیر کردن	تو یک الف بچه چه می‌فهمی من چی می‌گم. برو بشین درستو بخون، دخالت نکن تو این چیزا.	هیچ‌دلی
۸	تعارف کردن	پولی چیزی خواستی رو کمک ما حساب کن.	برون‌دلی
۹	شماقت و سرزنش	هرچی گفتم با این پسره نبر گوش نکردی. از فردا حق بیرون رفتن نداری.	فرادلی
۱۰	کمک و همیاری	شما که استاد جوان‌تری با من تو این پروژه همکاری کن شاید تو تبدیل وضعیت کمک کنه. منم این دوران رو گذروندم، درک می‌کنم.	فرادلی
۱۱	فداکاری کردن	فردارو تو کامل استراحت کن مراسم داشتید خسته ای. من به جات می‌رم.	درون‌دلی
۱۲	ابراز نگرانی	دیگه نتونستم دست دست کنم. گفتم بیام بهت سر بزنم.	درون‌دلی
۱۳	ابراز گلایه	چه گناهی کردم خدا تورو انداخته تو زندگی من. دست از سرم بردار.	هیچ‌دلی
۱۴	ابراز اعتراض	عجب آدم بی‌عاطفه‌ای شدی واقعاً نمی‌خواهی بهشون کمک کنیم؟	درون‌دلی
۱۵	حفظ آبرو	حالا اینبار رو آبروشو بخر. جوونه و خام. آینه‌ش تباه می‌شه.	فرادلی

ترتیب عملکرد: افرادی که از زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری استفاده می‌کنند، به دنبال اعلام میزان دغدغه‌مندی خود در همان ۴ سطح هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی به مخاطب هستند. بنابراین ترتیب گفتمان میان افراد براساس این ۴ سطح صورت می‌پذیرد. چنانچه فرد در سطح هیچ‌دلی باشد، تمایلی ندارد مخاطب برای انجام کار به او اصرار کند؛ بنابراین از سمت گوینده طفره‌روی مشاهده می‌شود. مانند: «تروخدا دست از سر ما بردار. زندگی دیگران چه ربطی به ما داره». در سطح برون‌دلی، تنها هم‌زبانی کلامی مشاهده می‌شود و مخاطب با شنیدن چنین جملاتی تنها ممکن است به تشکر زبانی اکتفا کند مانند: «خیلی ناراحت شدم شنیدم. ایشالا غم آخرت باشه» که به تشکر مخاطب می‌انجامد. در سطح درون‌دلی، از آنجایی که فعال‌محور می‌باشد، مخاطب ممکن است با توجه به میزان صمیمیت خود با گوینده از پیشنهاد و میزان دغدغه‌مندی خود استقبال کند و او را با خود همراه گرداند. در این مرحله چون درک شدن احساس از سمت گوینده وجود دارد، حتی اگر مخاطب پیشنهادش را نپذیرد حس همدلی خوبی در گفتمان رد و بدل خواهد شد. مانند: «تو هم عین بیچۀ خودمی. هر وقت پول خواستی به خودم بگو» که مخاطب در جواب می‌گوید: «واقعاً ازتون ممنونم عموجون تا شمارو دارم غم ندارم. خدا حفظتون کنه». در سطح فرادلی، ممکن است در وهله نخست مخاطب از پیشنهاد گوینده حس ناخوشایندی داشته باشد اما پس از مدتی صلاح و میزان دغدغه‌مندی او را درک خواهد کرد. به عنوان مثال کارمندی که از طرف رئیس مجموعه مجبور به گذراندن دوره کارورزی بدون حقوق شده است در وهله نخست ممکن است اعتراض کند و چنین بگوید «کاش یک کم شما هم وضعیت منو درک می‌کردید» که رئیس در پاسخ به او می‌گوید: «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی».

لحن: این زبانهنگ با لحن‌های متعدد و در بافت‌های گوناگون به کار می‌رود:

جدول ۲: لحن‌های غالب زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

ردیف	لحن	درصد فراوانی	مثال زباهنگ	سطح زباهنگ
۱	همدردی	۱۸٪	الهی دیگه غم نیینی. درکت می‌کنم چقدر سخته.	برون‌دلی
۲	دلسوزانه	۱۳٪	عزیز دلم تو مثل دخترم می‌مونی. تعارف نکن با من. فردا میام دنبالت بریم.	درون‌دلی
۳	بازدارنده	۱۳٪	به ما چه. مگه ما باید تو هر کاری دخالت کنیم!؟	هیچ‌دلی
۴	حمایتی	۹٪	خودم مثل کوه پشتتم داداش. غصه‌هیچی رو نخور. تا منو داری غم نداری.	درون‌دلی
۵	نصیحت‌آمیز	۸٪	بیا و به حرف این پدر پیرت گوش کن. خیرت در همینه. پدر و مادر هیچوقت بد بچه‌شونو نمی‌خوان.	فرا‌دلی
۶	تحقیر‌آمیز	۷٪	از این بچه‌هیچی درنیامد. فردا برو ثبت‌نامش کن یک مدرسه درست حسابی. آینه‌شو از آخر تابه می‌کنه.	فرا‌دلی
۷	ملتمسانه	۵٪	ترو خدا هرچی هست به منم بگو. باید حلش کنیم.	درون‌دلی
۸	اعتراض‌آمیز	۴٪	حالا دیگه اینقدر غریبه شدیم که به ما چیزی نمی‌گی؟ بیا این چک رو بگیر.	درون‌دلی
۹	اطمینان‌دهنده	۴٪	بهت قول می‌دم خودم برات درستش کنم. نگران نباش.	درون‌دلی
۱۰	اغراق‌آمیز	۳٪	شما جون هم بخواین ما در خدمتیم قربان. تعارف نکنیا.	برون‌دلی
۱۱	تو‌دیدن‌آمیز	۳٪	نمی‌دونم کار درستیه بریم کمکشون یا نه؟ منکه دلم نمیاد ساکت بشنم. نمی‌شه دست روی دست گذاشت.	درون‌دلی
۱۲	عصبانی	۳٪	چرا نمی‌فهمی که نباید خودتو قاطی مسائل سیاسی کنی!؟	فرا‌دلی
۱۳	ناامیدانه	۳٪	کاری از دست هیچ‌کسی برنیامد. بی‌خیال شید.	هیچ‌دلی
۱۴	تعارف‌آمیز	۲٪	حالا مشکلی پیش اومد ما رو هم در جریان بنارید.	برون‌دلی
۱۵	توس‌آلود	۲٪	آدم می‌ترسه تو این دوره زمونه برای کسی قدم برداره.	هیچ‌دلی
۱۶	نفرین‌آمیز	۱٪	لعنت به من اگر واسه کسی دیگه کاری بکنم.	هیچ‌دلی
۱۷	پوسشی	۱٪	قول می‌دی مشکلی واست پیش اومد اولین نفر به خودم بگی؟	درون‌دلی
۱۸	متعجبانه	۱٪	در عجبم تو چرا اینقدر سرت به سنگ می‌خوره آدم نمی‌شی؟ بس کن دیگه! اینقدر با زندگی‌ت بازی نکن! به حرف پدر پیرت گوش کن.	فرا‌دلی

ابزار گفتمان: با توجه به رشد استفاده از فضا‌های مجازی مانند تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و غیره این زباهنگ به هر دو صورت گفتاری (در مکالمات شفاهی) و نوشتاری به تکرار به کار می‌رود. جملاتی که در روزنامه و فضا‌های مجازی برای تسلیت، تقدیر و تشکر و درخواست همکاری به کار می‌روند، نشان‌دهنده نوع نوشتاری این زباهنگ هستند مانند: «از صمیم قلبم می‌گویم که دختر شما همانند دختر خودم است»؛ «با همه وجودم از شنیدن این خبر متأثر و متأسف شدم». لازم به ذکر است این زباهنگ به تکرار در نوشته‌ها و اشعار شاعران نیز دیده می‌شود. ابیاتی مانند «تو کز محنت دیگران بی‌غمی/نشاید که نامند نهند آدمی»؛ «بنی آدم اعضای یکدیگرند/که در آفرینش ز یک گوهرند/چو عضوی به درد

آورد روزگار/دگر عضوها را نماند قرار» نشان‌دهنده نوع نوشتاری این زباهنگ است. نوع گفتاری آن نیز جملاتی است که در جداول (۱) و (۲) ذکر شده‌اند.

قوانین گفتمان: به‌طور کلی به کاربرد این عبارات زبانی در کلام نشان‌دهنده هیجانات، عواطف و میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به یکدیگر است که می‌تواند بیانگر هنجارهای اجتماعی جمع‌گرایی «غصه نخور همه با هم یک کاریش می‌کنیم»؛ خانواده‌دوستی «اگر خانواده در این شرایط به دردت نخوره پس کی باید بخوره»؛ نوع دوستی «چقدر خوبه آدم هموطن خودش رو در مملکت غریب ببینه؛ اینجا فقط ایرانیا هستن که به درد هم می‌خورن»؛ اتحاد و همدلی «یک دست صدا نداره» باشد که همانگونه که پیش از این ذکر آن رفت، می‌توانند در سطوح متفاوت بی‌تفاوتی (هیچ‌دلی) تا دغدغه‌مندی زیاد (فرادلی) با اهداف و لحن‌های متفاوت به کار روند. لازم به ذکر است سطح هیچ‌دلی معمولاً در میان افراد غریبه نسبت به یکدیگر و یا افرادی که به طریقی با هم خصومت دارند، متداول‌تر است. بنابراین جملات مربوط به این سطح معمولاً با بی‌تفاوتی، رک‌گویی و به صورت صریح بیان می‌شوند. در مقابل، سطح درون‌دلی و فرادلی بیشتر در میان افراد دارای روابط صمیمی و دوستانه و افراد و یا اعضای خانواده که نسبت به هم احساس مسئولیت و دل‌نگرانی بیشتری دارند، مشاهده می‌شود. از این‌رو، این جملات با شور و هیجان بیشتری در سطح کلام و حتی عملکرد جاری هستند. در واقع، در این سطوح فرد دیگری را مانند خود تجسم کرده و مشکل او را نیز مانند مشکل خود می‌پندارد و برای رفع آن تلاش بسیاری می‌کند. فرد در سطح هیچ‌دلی حالتی منفعل دارد، در سطح برون‌دلی تنها در سطح کلامی و هم‌زبانی فعال است که می‌تواند حتی به زبان‌بازی، تعارف و چاخان نیز منجر شود، سطح درون‌دلی فعالیت‌محور است و فرد تلاش می‌کند تا به فرد مقابل کمک کند و در آخرین سطح، دغدغه‌مندی گوینده حتی ممکن است از مخاطب بیشتر باشد و فراتر از لحظه حال برای او دل‌نگرانی داشته باشد. بنابراین، میزان فداکاری او نیز در این مرحله بیشتر است و در وهله اول ممکن است درک آن برای مخاطب آسان نباشد و حتی باعث آزرده‌گی خاطر او گردد.

نوع گفتمان: زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در انواع گوناگون گفتمان مانند مکالمات شفاهی، نثر، مَثَل، شعر، داستان و فیلم و ... کاربرد زیادی دارد. به‌عنوان نمونه، جملاتی مانند «دوری و دوستی»؛ «با کفش‌های دیگری قدم زدن»؛ «همدلی از همزبانی بهتر است» نشان‌دهنده کاربرد این زبانهنگ در مثل‌هاست. لازم به ذکر است زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در گذشته به ویژه در متون (نظم و نثر) بیشتر در سطح درون‌دلی و حتی فرادلی بوده است. این امر نشان می‌دهد در متون گذشته افراد دغدغه‌مندی بیشتری نسبت به طرف مقابل خود داشته‌اند و حتی دیگران را نیز به این کار تشویق می‌کردند. اشعار بسیاری در باب همدلی، اتحاد و همیاری سروده شده است مانند: «اتحاد یار با یاران خوشست/ پای معنی گیر صورت سرکشست»؛ «دو روزی است همراهی جسم با جان/ رفیقی طلب کن که بر جانمانی»؛ «ولی همراهی و با تو بسازم/ که چشم من به روی توست روشن» و ..

۲.۵. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری بر اساس الگوی هیجامد

بررسی پاره‌گفتارهای مربوط به دل‌نگرانی برای دیگری نشان داد که با توجه به فرهنگ نوع‌دوستی ایرانیان، افراد در زندگی روزمره خود و در بافت‌های تعاملی اجتماعی، تحصیلی، حرفه‌ای و ... بارها این زبانهنگ را در گفته‌های خود به کار می‌برند. بنابراین بسامد تکرار آن در فرهنگ ایرانی زیاد است و پاره‌گفتارهای مربوط به دل‌نگرانی در سطح درون‌آگاهی مردم ایران قرار دارد (یعنی آشنایی کامل به این زبانهنگ دارند و حس و هیجان‌شان نسبت به آن‌ها بالاست). باید خاطر نشان کرد در گذشته دور افراد دغدغه‌مندی بیشتری نسبت به یکدیگر داشته‌اند (میزان درون‌دلی و فرادلی در گذشته بیشتر بوده است) و افراد تمایل بیشتری به برطرف کردن مشکلات سایرین داشته‌اند. اما با افزایش مشکلات جامعه به مرور زمان امروزه سطح هیچ‌دلی و برون‌دلی که مطابق با سطوح هیچ‌آگاهی و برون‌آگاهی است، بیشتر از درون‌دلی و فرادلی افزایش یافته است. این بدان معناست که افراد بیشتر همزبانی را به نسبت همدلی ترجیح می‌دهند که میزان دغدغه‌مندی و نگرانی تنها در سطح کلامی و سطحی بروز می‌یابد.

۳.۵. بررسی الگوهای فرهنگی زبانهنگ دل نگرانی برای دیگری

در سطح هیچ‌دلی به‌نظر می‌رسد افراد زمانی که خود در مورد موضوعی تخصص ندارند و یا در مورد شرایط ناآگاه هستند، ترجیح می‌دهند خود را درگیر موضوع موردنظر نکنند (Nall, 2019). از این حیث این سطح را می‌توان تأییدی بر ابهام‌گریزی قوی دانست که در آن فرد در هنگام مواجهه با شرایط ناشناخته یا مسائلی که اطلاع زیادی در مورد آن ندارد، استرس بالا، هیجان زیاد و اضطراب را تجربه می‌کند. بنابراین ترجیح می‌دهد از آن طفره رود. جملاتی مانند «به ما چه»، «مگه ما پلیس محله هستیم»، «ما سر پیازیم یا ته پیاز»؛ «خودتو قاطی هر آش نکن» نشان‌دهنده این الگوی فرهنگی است که حتی باعث می‌شود فرد از برابر مشکلات دیگران به راحتی گذر کرده و برچسب‌هایی مانند بی‌عاطفه، سنگدل و غیره نیز به او نسبت داده شود.

از سوی دیگر سطوح، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی تأییدی بر فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان است که فرد دیگری را بر خود ترجیح داده و تلاش می‌کند به آنان ولو در سطح هم‌زبانی و با کلام یاری برساند. سطح برون‌دلی از آنجاکه تنها در حد واژه و کلام است و عملی مشاهده نمی‌شود، می‌تواند نوعی تعارف و غیرمستقیم‌گویی^۱ را به دنبال داشته باشد که اگر از حد متعادل خارج شود، به اغراق‌افزودگی^۲ و زبان‌بازی نیز می‌انجامد مانند «مرگ من تعارف نکنی ها»؛ «با همه وجودم غصه خوردم». سطح درون‌دلی جهت‌گیری بلندمدت^۳ فرد را نشان می‌دهد که فراتر از لحظه حال مخاطب را می‌بیند و با آینده‌نگری برای او دلسوزی می‌کند و گام برمی‌دارد مانند «بیا این پول رو بگیر و فردا برو برای خودت حساب باز کن. بالاخره تو هم باید مستقل بشی». افزون‌بر این از آن‌جا که افراد در فرهنگ ایرانی به راحتی با یکدیگر درددل می‌کنند (Pishghadam & Ebrahimi, 2020)، معمولاً دغدغه خود را با دیگران در میان می‌گذارند و فرد مقابل هم تلاش می‌کند راه‌حلی برای این دغدغه بیابد. بنابراین، زبانهنگ مذکور نشان‌دهنده فرهنگ

¹ Indirectness

² Overstating

³ Long-term orientation

هلویی^۱ ایرانیان نیز می‌باشد. در این فرهنگ‌ها افراد در محیط بیرون با غریبه‌ها مشکلی ندارند و با همه به راحتی ارتباط برقرار می‌کنند. آنان افرادی انعطاف‌پذیر، با برخوردی دوستانه و گشاده‌رو هستند، اما همانند هلو که هسته‌ای سخت دارد، صمیمیتشان، عمیق و درونی نیست و با وجود صمیمی شدن با افراد دیگر، از دنیای درونی خود نیز محافظت می‌کنند (Meyer, 2014). لازم به ذکر است سطح هیچ‌دلی و برون‌دلی اعتماد زیاد به فرد را در بر ندارد اما در سطح درون‌دلی و به‌ویژه فرادلی باید اعتماد زیادی میان‌گوینده و مخاطب برای حل مشکل و نگرانی وجود داشته باشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، گسترش روابط بین‌فردی و تداوم بخشیدن به آن همواره از مسائل مهم زندگی او به‌شمار می‌رفته است. یکی از فرایندهای تحول بهنجار انسان، چگونگی رشد ظرفیت ادراک دیگران از زاویه خود فرد است. مواردی همچون همدلی و نشان دادن دل‌نگرانی و دغدغه‌مندی نسبت به مسائل دیگران، انسان را در راه رسیدن به کمال کمک می‌کند و از هنگام تولد این ویژگی در او حضور داشته و در دوران‌های نوجوانی و جوانی به تکامل خود می‌رسد (Hanania, et al, 2000). دل‌نگرانی نسبت به دیگری پدیده‌ای چندبُعدی و پیچیده است که از کنش‌های دگرخواهانه^۲ می‌باشد و از اوایل قرن بیستم نظر پژوهشگران متعدد در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و ... را به خود جلب کرده است. از منظر توانایی درک حالات عاطفی و شناختی و تجربه هیجانات مشابه با دیگران، می‌توان سطوحی از هیچ‌دلی، برون‌دلی (هم‌زبانی/هم‌دردی)، درون‌دلی (همدلی) و فرادلی را در نظر گرفت که دنیای افراد را به یکدیگر پیوند می‌زند. در فرهنگ ایران به عنوان کشوری جمع‌گرا (Pishghadam, 2013)، فرهنگ «ما» بودن بیشتر از «من» بودن اهمیت دارد. بنابراین، در گذشته هنگامی که برای فردی مشکلی پیش می‌آمده است تلاش می‌شده در جمع‌های کوچک خانوادگی و قبیله‌ای به آن‌ها رسیدگی شود و روابط همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. امروزه نیز تأثیر رسانه و محیط مجازی و در دسترس بودن پل‌های

¹ Peach culture

² Altruistic action

ارتباطی آسان، میزان ارتباط افراد و رسیدگی به امور و احوالپرسی از یکدیگر را راحت تر کرده است و افراد با رد و بدل کردن عبارات زبانی، میزان دل‌نگرانی خود به دیگری را نشان می‌دهند. عطف به اهمیت رابطه میان زبان و فرهنگ (Langacker, 1994)، با بررسی زیاهنگ‌های یک زبان می‌توان به فرهنگ مستتر پشت این عبارات زبانی دست یافت (Pishghadam et al., 2018). از این‌رو، در پژوهش حاضر به منظور واکاوی و مذاقه در زیاهنگ دل‌نگرانی نسبت به دیگری و آشکارسازی فرهنگ مستتر در زبان آن، نگارندگان به بررسی ۴۴۸ پاره‌گفتار بدست آمده از ۳۰ فیلم و سریال با ژانر اجتماعی و ۲۱۱ پاره‌گفتار جمع‌آوری شده از مکالمات افراد (با بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال) در مکان‌های عمومی، خصوصی و فضای مجازی پرداختند.

نتایج بررسی داده‌ها براساس الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ نشان داد که افراد در تمامی مکان‌های عمومی و خصوصی رسمی/غیررسمی با اهداف متفاوتی مانند دلسوزی، نصیحت، کمک و همیاری، سلب مسئولیت و تبرئه خود، تغییر در تصمیم، تحقیر کردن، شماتت و سرزنش، فداکاری، اعتراض، ابراز نگرانی، گلایه کردن و حفظ آبرو و ... از عبارات مربوط به دل‌نگرانی برای دیگری استفاده می‌کنند و هیج‌آمد افراد جامعه نسبت به این زیاهنگ‌ها در سطح درون‌آگاهی قرار دارد؛ اما نکته قابل توجه این است که بسامد کاربرد آن‌ها در این محیط‌های جامعه بیشتر حالت برون‌دلی دارد. یعنی، افراد در سطح هم‌زبانی با فرد همسو می‌شوند و تلاش می‌کنند او را تنها در سطح کلامی دل‌داری دهند یا با او همدردی نمایند. این امر در تأیید تعارف‌گرایی ایرانیان (Koutlaki, 2002) و جمع‌گرایی آنان است (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). در واقع در جوامعی که روابط محور^۱ هستند، افراد به یکدیگر اعتماد احساسی پیدا می‌کنند (Meyer, 2014) و در این جوامع دغدغه‌مندی نسبت به دیگران حتی در سطح کلامی، اجازه برقراری تماس مؤثر با محیط اجتماعی پیرامون را به فرد می‌دهد و افراد حتی در سطح کلامی تلاش می‌کنند به دیگری دل‌داری دهند تا از آسیب وارد کردن فردی که دارای مشکل است نسبت به خودش، جلوگیری به عمل بیاورند (Mohammadaminzadeh et al., 2017).

¹ Relationship-based

سطح برون‌دلی، زبانه‌نگ‌های دل‌نگرانی می‌توانند در حد تعارفات و همان قربان‌صدقه‌رفتن‌ها در کلام ایرانیان باشند که ممکن است به دو صورت حقیقی و از سر دلسوزی یا به صورت صوری و از نوع تعارف غیرواقعی و چاخان‌اتفاق بیفتند (Izadi, 2015). درواقع گوینده با استفاده از این عبارات تلاش می‌کند با ابراز دغدغه‌مندی توجه مخاطب را جلب کند و یا جایگاه او را ارتقا ببخشد. فراستخواه (Ferastkhah, 2014) معتقد است در جوامعی که ساختار باز و شفاف وجود نداشته باشد، افراد ممکن است به تعارف روی بیاورند. در چنین فرهنگی ممکن است قضاوت نیز زیاد اتفاق بیفتد که نمود آن در همه سطوح دل‌نگرانی موجود است. در واقع فرد به بهانه دل‌نگرانی و دغدغه‌مندی به خود اجازه می‌دهد که رفتار و گفتار دیگران را مورد ارزشیابی شخصی خود قرار دهد و این امر در سطح برون‌دلی، به تکرار مشاهده شده است.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که امروزه برخلاف گذشته که تمایل به جمع‌گرایی و جمع‌های دوستانه و خانوادگی زیادتر بود، بیشتر افراد تلاش دارند خیلی در زندگی دیگران دخالتی نداشته باشند؛ بنابراین در بحث‌های زیادی از سطح هیچ‌دلی نیز بهره گرفته شده است. این امر حتی به آثار ادبی و اشعار زبان فارسی نیز نفوذ کرده و واژگانی مانند *تیره‌دل*، *بی‌عاطفه*، *دل‌مرده*، *سیاه‌دل*، *سنگدل* و ... به تکرار در آنان مشاهده می‌شود. شاید این امر را بتوان به حرکت از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی ایرانیان نسبت داد که تلاش دارند برای خود هویتی مستقل داشته باشند و امروزه در امور مربوط به دیگران دخالت زیادی نکنند؛ اما در روابطی که دارای فاصله نزدیک و صمیمی با یکدیگر و یا همسالان که نسبت به یکدیگر دل‌نگران و همدل هستند (Turiel & Eisenberg, 1998) و یا در رابطه حمایتی و ذاتی میان والدین و فرزندان، میزان دغدغه‌مندی در سطح فرادلی و درون‌دلی بیشتر بوده است. این امر در راستای پژوهش گاربر و همکاران (Garber et al., 1997) می‌باشد که معتقدند حمایت ذاتی والدین از نوجوان باعث ایجاد جوی عاطفی و رشد و پرورش همدلی و سطوح بالاتر آن می‌شود. البته پیش‌قدم (Pishghadam, 2022) معتقد است در سطح فرادلی برای مخاطب ممکن است در ابتدا پذیرش دشوار باشد و اصطکاک میان گوینده و مخاطب به وجود آید؛ یعنی گوینده نگران آینده مخاطب خود

است و در سطحی بالاتر تمایل دارد وی را از موقعیتی که احساس می‌کند برای وی خطرناک است، نجات دهد اما مخاطب از این وضعیت ناراحت است و تمایل چندانی به این کار ندارد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که بیان دل‌نگرانی نسبت به دیگری نوعی مداخله و حریم‌شکنی در کار او به حساب نیاید و همواره حریم شخصی افراد نیز مورد احترام قرار گیرد.

به صورت کلی، از آنجایی که فرهنگ همچون ژنی قابل انتقال از یک نسل به نسل دیگر است و تأثیر زیادی در سرنوشت افراد دارد (Ferastkhah, 2014)، اگر زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در سطح درون‌دلی و فرادلی در سطح جامعه به شیوه‌ای صحیح رواج داده شود و سواد اجتماعی نسبت به آن افزایش پیدا کند، به عنوان یک ژن فرهنگی سالم، رفتارهای خوب را شاهد خواهیم بود و افراد سلامت اجتماعی و روانی بیشتری خواهند داشت. چنانچه غلامی و همکاران (Gholami et al., 2021) نیز بر این اعتقادند با برنامه‌سازمان‌یافته می‌توان مهارت‌هایی مانند همدلی را افزایش داد و امکان رشد آنان از طریق آموزش وجود دارد. پیشنهاد می‌شود میزان سطح درون‌دلی و فرادلی در قشرهای مختلف جامعه ایران و نیز مقایسه آن با سایر جوامع مورد مذاقه و بررسی بیشتر قرار گیرد و زبانهنگ‌های آموزشی و تربیتی و حرفه‌ای دل‌نگرانی نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرند. از سوی دیگر باید توجه داشت که تحلیل زبانهنگی می‌کوشد تا فرهنگ را که از طریق زبان در قالب محاوره، داستان، شعر و مثل‌ها منتقل می‌شوند بشناسد، ژن‌های معیوب را استخراج کند و آگاهی مردم را نسبت به آن‌ها بالا ببرد و در صورت نیاز پیشنهادهایی برای مهندسی و تغییر آن‌ها ارائه دهد (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). بنابراین، با واکاوی تحلیل زبانهنگی در اشعار، موسیقی و آثار ادبی کنونی می‌توان ریشه و علت کم‌رنگ شدن سطوح درون‌دلی و فرادلی را در جامعه ریشه‌یابی کرد و برای ترمیم و رواج آنان راهکارهایی پیشنهاد داد.

فهرست منابع

- بهنام، رسول و رجب‌زاده، هانیه (۱۳۹۵). «جستاری در کارکردهای همدلی و همدردی در دیوان صائب به عنوان یکی از مهارت‌های اساسی ایجاد ارتباط مؤثر در مشاوره». *مجله نخبگان علوم و مهندسی*. دوره ۱. شماره ۲. صص ۴۴-۵۷.
- بیرامی، منصور، جعفری، داوود و بهرامی، محسن (۱۳۹۳). «رابطه بین مؤلفه‌های همدلی با شادکامی در جمعیت دانشجویی». *مجله روان‌شناسی*. دوره ۱۸. شماره ۳. صص ۲۸۰-۲۹۱.
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی زیاهنگ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان». *مطالعات زبان و ترجمه*. شماره ۴. صص ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، رضا و وحیدنیا، فاطمه (۱۳۹۴). «کاربردهای دعا در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوهایمیز». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۲۸. صص ۵۳-۷۲.
- پیش‌قدم، رضا، ابراهیمی، شیمیا و طباطبائیان، مریم‌سادات (۱۳۹۸). *رویکردی نوین به روان‌شناسی آموزش زبان*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ترکمن‌ملایری، مهدی و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۹۸). *همدلی و رفتارهای جامعه‌پسند: نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی*. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*. دوره ۱۵. شماره ۵۹. صص ۲۶۱-۲۷۱.
- خردمند، سعید، جلالی، محمدرضا و شمس اسفندآباد، حسن (۱۳۹۷). «مقایسه همدلی شناختی و عاطفی، در دو گروه دارای سبک شخصیت جرات‌ورز و ضداجتماعی». *تازه‌های علوم شناختی*. دوره ۲۰. شماره ۳. صص ۱۱۴-۱۲۶.
- سلطانی‌عظمت، ا.، محدیان، ا.، کامی، م.، جبرئیلی، م. و دولت‌شاهی، ب. (۱۳۹۵). «مقایسه نظریه ذهن و همدلی در دانشجویان پسر و دختر در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران». *فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم*. دوره ۴. شماره ۲. صص ۱۹-۲۶.
- کهنوجی، مرضیه (۱۳۹۵). «بررسی ابعاد همدلی در بین اعضای هیأت علمی دارای پست‌های مدیریتی با توجه به نقش جنسیتی (مطالعه موردی: دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان)». *مطالعات منابع انسانی*. دوره ۵. شماره ۲۰. صص ۱۷۱-۱۸۶.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). *ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی*. تهران: نشر نی.

- غلامی، سمیه، احمدی، ساره و حرمتی، حکیمه (۱۴۰۰). طراحی الگوی درسی (آموزش) مهارت‌های همدلی در دوره متوسطه و ارزیابی اثربخشی آن. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. ۱۴ دوره ۱۴. شماره ۱. صص ۳۱۱-۳۴۰.
- محمدامین‌زاده، دانا، کاظمیان، سمیه، اسماعیلی، معصومه و اسمری، یوسف (۱۳۹۶). پیش‌بینی همدلی ادراک شده براساس طرح‌واره‌های هیجانی و تاب‌آوری در مادران دارای فرزند کم‌توان جسمی حرکتی. *توانبخشی*، ۱۸ (۲)، ۱۴۲-۱۵۳.
- یاری‌قلی، بهبود و بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان‌شناسی و مبانی اسلامی». *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، دوره ۲. شماره ۳. صص ۱۶۳-۱۵۵.

References

- Andreoni, J., Rao, J. M., & Trachtman, H. (2016). Avoiding the ask: A field experiment on altruism, empathy, and charitable giving. *Forthcoming, Journal of Political Economy*, 125(3), 625-653.
- Ariyaratne, D., & Hulathduwa, S. R. (2015). Implications of sympathy, empathy and apathy in medico-legal practice. *Sri Lanka Journal of Forensic Medicine, Science & Law*, 6(1), 21-24.
- Behnam, R., & Rajabzadeh, H. (2016). Investigating the functions of empathy and sympathy in Saeb Divan as one of the basic skills to create effective communication in counseling. *Journal of Science and Engineering Elites*, 1(2), 44-57. [In Persian]
- Beyrami, M., Jafari, D., & Bahram, M. (2014). Relationship between empathy elements and happiness in university students. *Journal of Psychology*, 18(3), 280-291. [In Persian]
- Brown, H. D. (1994). *Principles of language learning and teaching*. Boston: Prentice Hall Regents.
- Dahl, G. (2004). Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film. *Forum: Qualitative Social Research*, 5(2), 1-43.
- Farastkhah, M. (2014). *We Iranians: Historical and social research of Iranian people*. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Garber, J., Robinson, N. S., & Valentiner, D. (1997). The relation between parenting and adolescent depression: Self-worth as a mediator. *Journal of Adolescent Research*, 12(1), 12-33.
- Gholami, S., Ahmadi, S., & Hormati, H. (2021). Designing a curriculum model (teaching) empathy skill in the secondary

- schools and evaluating its effectiveness. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 14(1), 311-340. [In Persian]
- Hanania, R. R., Rossangle, N. B., Higgins, A., & Alessandro, D. (2000). Development of self and empathy in early infancy, implications atypical. *Journal of Infant and Young Children*, 13(1), 1-13.
- Hofstede, G. (1983). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, 13(1-2), 46-74.
- Hymes, D. (1972). Models of the interaction of language and social life. In J. J. Gumperz and D. Hymes (Eds.) *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication*. (pp. 35-71), New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Hymes, D. (1974). *Foundations in sociolinguistics: An ethnographic approach*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Hymes, D. (1975). Breakthrough into performance. In Ben-Amos, D. & Goldstein, K. S. (eds). *Folklore: Performance and communication* (pp.11-74), The Hague: Mouton.
- Izadi, A. (2015). Persian honorifics and im/politeness as social practice. *Journal of Pragmatics*, 85, 85-95.
- Kahnuji, M. (2016). Investigating the dimensions of empathy among faculty members with managerial positions according to gender role (Case study: Vali-e-Asr University of Rafsanjan). *Journal of Human Resource Studies*, 6(2), 171-186. [In Persian]
- Kheradmand, S., Jalali, M., & Shams Esfandabad, H. (2018). Comparing cognitive empathy and emotional empathy in assertive individuals and individuals with antisocial personality styles. *Advances in Cognitive Science*, 20(3), 114-126. [In Persian]
- Koutlaki, S. (2002). Offers and expressions of thanks as face-enhancing acts: tae'arof in Persian. *Journal of Pragmatics*, 34 (12), 1733-1756.
- Langacker, R. W. (1994). *Culture, cognition, and grammar, in language contact and language conflict*. Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company.
- Markus, H. R., & Hamedani, M. G. (2007). Sociocultural psychology: The dynamic interdependence among self systems and social systems. In S. Kitayama & D. Cohen (Eds.),

- Handbook of cultural psychology* (pp. 3-39). New York: Guilford Press.
- Meyer, E. (2014). *The culture map: Breaking through the invisible boundaries of global business*. New York: Public Affairs.
- Minkov, M., & Hofstede, G. (2013). *Cross-cultural analysis: The science and art of comparing the world's modern societies and their cultures*. London: SAGE publication.
- Mininni, G. (2004). *Psicologia e Media*. Roma-Bari: Laterza.
- Mohammadaminzadeh, D. M., Kazemian, S., Esmaeily, M., & Asmari, Y. (2017). Prediction of perceived empathy based on emotional schemas and resilience in mothers with physically-disabled children. *Archives of Rehabilitation, 18*(2), 142-153. [In Persian]
- Nall, R. (2019, September 27). *What you should know about apathy*. Retrieved from <https://www.healthline.com/health/apathy>.
- Nobis, L., & Husain, M. (2018). Apathy in Alzheimer's disease. *Current Opinion in Behavioral Sciences, 22*, 7-13.
- Pishghadam, R. (2013). Introducing cultuling as a dynamic tool in culturology of language. *Language and Translation Studies, 45*, 47-62. [In Persian]
- Pishghadam, R. (2015, October). *Emotioncy in language education: From exvovement to involvement*. Paper presented at the 2nd Conference of Interdisciplinary Approaches to Language Teaching, Literature, and Translation Studies. Mashhad, Iran.
- Pishghadam, R. (2022). *104 conceptual concepts*. North Carolina: Lulu Press.
- Pishghadam, R., Al Abdwani, T., Kolahi Ahari, M., Hasanzadeh, S., & Shayesteh, S. (2022). International Journal of Society, Culture, and Language. <http://dx.doi.org/10.22034/ijscsl.2022.252360>.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2020). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. Washington, DC: Amazon Publications Inc.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2020a). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language, 8*(2), 17-34.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, Sh., Naji Meidani, E. & Derakhshan, A. (2020b). An introduction to "cultuling" analysis (CLA) in light of variational pragmatics: A step toward "euculturing. *Journal of Research in Applied Linguistics (RALs)*.

- Pishghadam, R., Ebrahimi, Sh., & Tabatabaeian, M. S. (2019). *A novel approach to psychology of language education*. Iran, Mashhad: Ferdowsi University Press. [In Persian]
- Pishghadam, R., Firoozian Pour Esfahani, A., & Tabatabaee Farani, S. (2018). Examining the concept of nāz and its related vocabulary items in Persian language in light of emotioncy. *Culture-Communication Studies*, 18(39), 67-96. [In Persian]
- Pishghadam, R., & Vahidnia, F. (2016). Uses of praying in Persian and English movies in the light of Hymes' model. *Language Related Research*, 6(7), 53-72. [In Persian]
- Soltani Azemat, E. Mohammadian, A., Kamie, M., Jebreeili, M., & Doolatshahi, B. (2016). A comparison of theory of mind and empathy in male and female students at university of welfare and rehabilitation sciences in Tehran. *The Neuroscience Journal of Shafaye Khatam*, 4(2), 19-26. [In Persian]
- Torkaman Malayeri, M., & Sheikholeslami, R. (2019). Empathy and pro-social behavior: the mediating role of moral emotions. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(59), 261-271. [In Persian]
- Turiel, E., & Eisenberg, N. (1998). *Handbook of child psychology*. Wiley
- Yarigoli, B., & Bahadorikhosroshahi, J. (2018). Comparative study of the concept of empathy from the perspective of psychology and Islamic foundations. *Islamic Life Style*, 2(3), 155-163. [In Persian]
- Zaki, J., & Ochsner, K. N. (2012). The neuroscience of empathy: Progress, pitfalls and promise. *Nature Neuroscience*. 15(5), 675-80.

Reza Pishghadam¹
Shima Ebrahimi²

Received: 2022-07-02

Accepted: 2022-09-24

1. Introduction

Since birth and throughout all stages of development, man has been a social being as effective communication and interaction with others have been crucial for him. The capability to understand ideas, emotions and views and being aware of and sensitive to them in social interactions help develop a friendly relationship with others, promote their self-awareness and self-acceptance, and improve group cohesion. Living in an interconnected world means that we will inevitably face difficulties, and consequently, we will need the assistance of others regularly. Iranians have long had a reputation for being kind and helpful to their fellow citizens, and it is essential to remember that even giving verbal support and assistance to others can protect them from potential dangers (Andreoni et al., 2016).

When seeing other people's problems and issues, individuals use various verbal and functional approaches in accordance with their own perception and understanding of the situation and the mental and emotional state of others. This suggests how much they care about others and are concerned with their problems. Concern for someone is defined as the emotional and cognitive ability to understand emotions and react to the mental and emotional states of others. Interpersonal interactions and socioemotional aspects have been used to differentiate "apathy (have no feelings)" from "sympathy (observe feelings)", "empathy (understand feelings)" and "metapathy (change feelings)".

The current research aims to determine the degree of people's concern for others by analyzing language expressions used in

¹ Professor of Language Education and Professor by Courtesy of Educational Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; pishghadam@um.ac.ir

² Assistant Professor of Persian Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad; Mashhad, Iran (Corresponding Author); shimaebrahimi@um.ac.ir

different circumstances when confronted with another issue. To put it another way, the notion of cultuling (language + culture) of concern for others presents a novel form of concern, which is based on the degree of people's involvement in the problem as well as the closeness between people.

2. Materials and Methods

The current study is qualitative and descriptive. It attempted to analyze and study parts of utterances related to this cultuling at four levels of apathy, sympathy, empathy, and metapathy to uncover those aspects of Iranian culture which deal with the level of concern for others. The study included a purposeful sample of conversations between the characters in Iranian social films (30 movies and TV series). All expressions related to concern (448 utterances) were selected. Additionally, a purposeful sample of natural talks about education, relationships, jobs, etc., —acquired from people's daily chats across social media platforms (e.g., Telegram, WhatsApp, Instagram)—were analyzed.

The total number of utterances was 211. People who used these expressions in their writing ranged in age from 18 to 69, with educational backgrounds ranging from high school diplomas to doctorates and diverse jobs (student, freelancer, doctor, university professor, housewife, engineer, etc.). Concern-related utterances were then analyzed using the conceptual model of cultuling analysis (CLA).

3. Results and Discussion

Linguistic styles (i.e., utterances) are indicative of people's degree of concern for others and the difficulties they face. How do they feel and think about others, and how do they respond when others are involved in certain situations? Pishghadam et al. (2022) have categorized concern types into four groups, as presented in Figure (1):

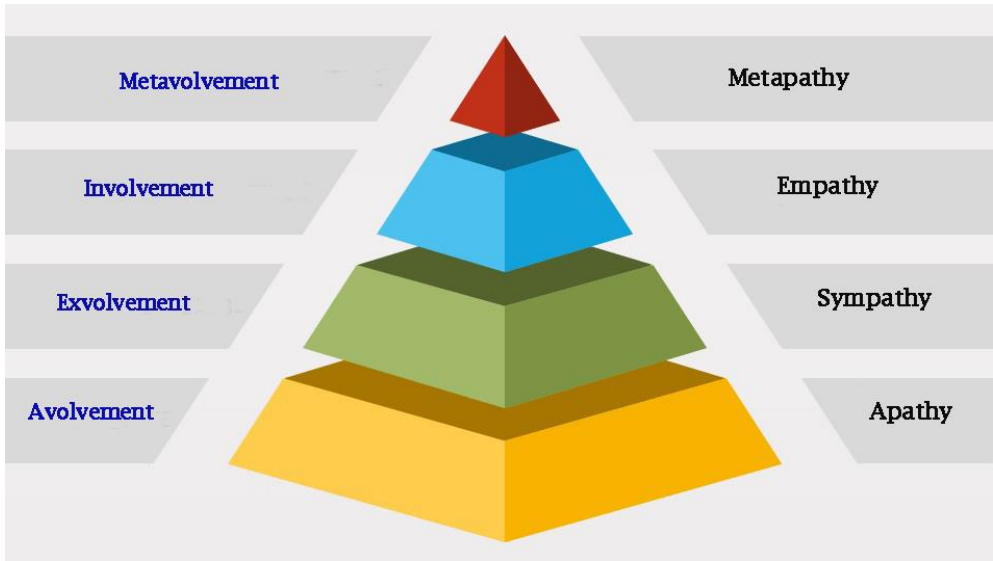


Figure 1: Concern Types

Sympathy involves understanding from your perspective. Empathy involves putting yourself in the other person's shoes and understanding WHY they may have these feelings. The difference in meaning is usually explained with some variation of the following: sympathy is when you share the feelings of another; empathy is when you understand the feelings of another but do not necessarily share them. Empathetic and sympathetic are similar words, but they are not the same. While being empathetic means putting yourself quickly and thoroughly in another person's shoes, being sympathetic means showing concern for someone when something wrong happens to them. Sympathy is observation and acceptance of what someone else is going through. Empathy involves taking on someone else's feelings. Empathy is better than sympathy, so it is considered better. Empathy and sympathy are suitable traits because they support people who need them. It is right to say that if we believe apathy as introspection (see inside oneself) and sympathy/empathy as outrespection (see outside oneself), metapathy is a kind of anterpection based on which individuals see ahead of themselves (Pishghadam et al., 2022).

The findings of the data analysis based on the CLA demonstrated that people in all formal, informal, public and private settings have various goals, including sympathy, counsel, assistance, and cooperation, together with absolving themselves of blame and denying guilt, changing one's mind, humiliating, shaming, and blaming. Most people are self-aware of these expressions when they use them in various settings, such as protesting, expressing worry, complaining, and defending one's reputation. It is, however, striking that these phrases frequently appear in the form of sympathy. In other words, individuals attempt to provide comforting words and empathize with the person. This demonstrates Iranians' complacency (Koutlaki, 2002) and collectivism (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). Indeed, in communities that value relationships, individuals try to find emotional trust in others (Meyer, 2014). In these cultures, caring for others, even on a verbal level, helps people develop meaningful social connections. Individuals even attempt to verbally calm others to prevent injuring someone struggling with themselves (Mohammedaminzadeh et al., 2017).

The findings suggested that Iranians seek to establish their own identities and avoid meddling unnecessarily in other people's lives, a shift from collectivism to individuality. However, Pishghadam (2022) believes that at the metapathy level, the audience may feel uncomfortable with the speaker's suggestion, but after a while, he will understand the speaker's concern and how he wants to save him from a dangerous situation. In other words, the speaker is concerned for the audience's well-being and wants to save him from a difficult situation; however, the audience is upset about this situation and does not have much desire to do so.

4. Conclusion

Culture is like a gene passed from one generation to the next generation and has a significant impact on the destiny of people (Ferastkhah, 2014). If the language of care for others is presented and promoted effectively at the level of empathy and metapathy in the society and if social literacy about it is developed, we can expect and observe acceptable behaviors within the society and

people will enjoy greater social and mental health. It should be noted that cultuling analysis tries to understand the culture transmitted through language in the form of dialogues, stories, poems and parables to flag defective genes and raise people's awareness about them, and if necessary, they should be engineered and changed (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). It is thus feasible to find the main reasons for the decline of empathy and metapathy in society and offer solutions for promoting and advancing empathy and metapathy in society. This can be achieved through the analysis of cultuling in contemporary poetry, music and literary works.

Keywords: Cultuling; Concern; Apathy; Sympathy; Empathy; Metapathy



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).